



سازمانی برای آموزش زیبایی‌های محسوس معنوی و عقلی

✱ برای اصلاح جامعه باید کاری کرد که بدی‌ها در جامعه زشت و متعفن باشد، اصلاً ذائقه مردم اصلاح شود و از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و غیبت و دروغ‌تفر داشته باشند، آنوقت از ذکر خدا لذتی می‌برند که از هیچ غذای مطبوعی و از هیچ لذت جسمی آنقدر لذت نمی‌برند.

مقدمه: در شماره گذشته از سلسله درسهای اخلاق استاد شهید مطهری فواید بررسی نظریات مختلف در باب اخلاق و بحث پیرامون نظریه کسانیکه اخلاق را از مقوله زیبایی می‌دانستند از نظر خوانندگان محترم گذشت، در این شماره دنباله بحث گذشته و بررسی زیباییهای محسوس و نامحسوس (معنوی) از نظر شما می‌گذرد.

جمال و زیبایی، جلایه، عشق، حرکت و ستایش از طرف دیگر یک حقایق است که با یکدیگر توأمند، یعنی آنجا که زیبایی وجود پیدا می‌کند، یک نیروی جاذبه ای هم هست، زیبا جاذبه دارد و آنجا که زیبایی وجود دارد عشق و طلب در یک موجود دیگر وجود دارد، حرکت و جنبش وجود دارد، یعنی خود زیبایی موجب حرکت و جنبش است حتی به عقیده فلاسفه الهی تمام حرکتها که در این عالم است، حتی حرکت جوهریه و اساس که تمام فائده این عالم طبیعت را بصورت یک واحد به

جنبش و حرکت درآورده است، مولود عشق است، وحشی باقی یک شعرانی دارد راجع به میل که میل و جاذبه در تمام ذرات عالم وجود دارد، می گوید فیلسوفان این را عشق می نامند، بهرحال، هر جا که عشق هست، هر جا که زیبایی هست جاذبه وجود دارد، عشق و طلب وجود دارد حرکت و جنبش وجود دارد، زیبایی بدنبال خودش ستایش و تقدیس می آورد این هم یک مطلب، حالا درباب زیبایی آیا زیبایی محصور و منحصر به همین زیبایی یک انسان، آن هم زیبایی که دو جنس مخالف انسان از یکدیگر درک می کنند، است؟ خصوصاً در جنس زن آیا همین که می گویند زیبا مثلاً اندام و چهره یک زن زیبا) دیگر غیر از این در عالم زیبایی وجود ندارد این خیال افرادی است که از زیبایی چیز درستی درک نمی کنند، در طبیعت هزاران نوع زیبایی وجود دارد، در طبیعت جامد کیست که زیبایی را در گلهای درک نکند، خیلی افراد شاید از گل فقط بوی خوش را درک می کنند، ولی آنها که چشمشان زیبایی را درک می کنند، در گل زیبایی را بیش از بو درک می کنند یعنی برایش اهمیت فائز

هستند. هزاران نوع زیبایی و جمال و هزاران زیبایی محسوس در عالم طبیعت وجود دارد. تمام زیبایی‌ها منحصر بآن زیبایی که با شهوت جنسی انسان سروکار دارد نیست، آن کس که زیبایی را منحصر در شهوت جنسی درک میکند، در حقیقت اصلاً زیبایی را درک نمی کند، زیبایی تنها مربوط به غریزه جنسی انسان نیست. تا بگویند زیبایی، بعضی اشخاص فوراً فکر می کنند که مربوط به غریزه جنسی است در صورتیکه اینچنین نیست در خود طبیعت هزاران نوع زیبایی وجود دارد تازه اینها که ما گفتیم مربوط به قوه باصره بود، شامه خودش یک نوع زیبایی‌ها را درک می کند، لامسه زیبایی‌هایی را درک می کند و ذائقه هم همین طور، اساساً خوب در هر حس یعنی زیبا (خوب در چشم زیبایی در چشم است، خوب در گوش زیبایی در گوش است، خوب در لامسه ذائقه، شامه اینچنین است) پس این اشتباه پیدا نشود تا که می گویند زیبایی، افرادی که در واقع درک بسیار ضعیفی از زیبایی دارند، فوراً توجهشان به مسائل

جنسی و این حرفها معطوف می شود. نه، این اشتباه است. از این بالاتر آیا زیبایی غیر محسوس هم داریم؟ اکثریت قریب به اتفاق مردم زیبایی های محسوس را درک می کنند (همینها که مثال زدیم) آیا زیبایی غیر محسوس (معنوی) هم ما داریم؟ بله انهم زیاد است حلقه اش آن زیباییهایی است که به قوه خیال انسان مربوط نیست بلکه در تمام محسوسات عالم است.

(یعنی به صورتهای ذهنی انسان مربوط است) زیبایی فصاحت و بلاغت در چیست؟ یک عبارت فصیح و زیبا، یک عبارت بلیغ چرا انسان را به سوی خودش می کشد؟ ششصد الی هفتصد سال است که از زمان سعدی گذشته است. چرا هنوز آن جمله های کوتاه، سعدی در زبانها تکرار میشود و هنوز هم انسان وقتی می شنود مجذوب شده و به سوی آن کشیده می شود. آیا زیبایی این جملات تنها در لفظ است؟ نه، بلکه در معانی الفاظ است. آیا زیبایی لفظ زیبایی است؟ نه، البته خود لفظ هم در فصاحت دخالتی دارد ولی تنها لفظ نیست، معانی الفاظ و معانی ذهنی آنچنان زیبا در کنار یکدیگر قرار گرفته است، که روح انسان را به سوی خود می کشد و جذب میکند و همچنین شعر حافظ، شعرای مولوی آنهایی که واقعا زیباییهای شعر را و زیباییهای معنوی و خیالی را درک میکنند گاهی آنچنان مجذوب و مسرور این شعرها قرار می گیرند که اصلا از خود بیخود می شوند. در یک کتابی خواندم که مرحوم ادیب پیشاوری (یکی از ادیبان بسیار بسیار میرز و از بقایای حوزه های علمیه قدیم بوده است که البته ما ایشان را درک نکردیم. عکس ایشان را دیدیم سیدی فوق العاده فاضل و در ادبیات کم نظیر بوده است، و گاهی شعر می گفته است) گفته بود که یک شعر دوبار مرا در عمرم از هوش برد این غزل حافظ را یکبار که می خواندم آنچنان تحت تاثیرش قرار گرفتم که بیهوش شدم.

ز آن یار دلنوازم شکری است با شکایت
گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت
در این شب سیاهی گم گشته راه مقصود
از گوشه ای برون ای ای کوکب هدایت
عشقت رسد به فریاد، گر خود به سان حافظ

قرآن زیر بخوانی با چهارده روایت
مرحوم ادیب پیشاوری گفته است که من یکبار این شعرها را خواندم آنچنان مجذوب شدم که بیهوش افتادم این خودش مطلبی است، این زیبایی شعر است که یک ادیب را در دین حق مجذوب خودش می کند تازه این یک ادیب است. به نظر شما تاکنون فصاحت قرآن در دنیا چقدر اشک از مردم گرفته است؟ (تعبیر خود قرآن)!

افزادی هستند که وقتی (قرآن را) می شنوند. در حال گریه می افتند و سجده می کنند. در دلهای شب چقدر اشک همین آیات قرآن از مردم گرفته است، در



**زیبایی منحصر به زیباییهای
مربوط به غریزه جنسی و
محسوسات این عالم نیست،
مربوط به معانی فکری هم هست
بلکه بالاتر هم وجود دارد و آن
زیبائیهای معقول است و در
مقابل این زیبائیه زشتی و
نازیبائی عقلی نیز وجود دارد.**

**به عقیده فلاسفه الهی تمام
حرکتهاست که در این عالم است
حتی حرکت جوهریه که تمام
قافله این عالم طبیعت را
بصورت یک واحد به جنبش و
حرکت درآورده است، مولود
عشق است.**

اثر این است که آن معانی در این لباس بسیار زیبا آن حس جمال دوستی معنوی انسان را در اختیار می گیرد و مسخر خود می کند.

حضرت زینب (ع) تعبیری درباره علی بن ابیطالب (ع) دارد که اینها آفاق سماء را آنچنان گرفته بودند که نامی از علی در دنیا وجود نداشته باشد، حرفی از علی در دنیا نباشد. عامل اساسی که باعث شد علی (ع) در دنیا نرود (حالا ما عوامل ظاهری طبیعی را داریم می گوئیم) سخنان اوست که در نهایت زیبایی می باشد یعنی نهج البلاغه که واقعا نهج البلاغه است، دشمن هم دلش می خواهد سخنان علی را درک کند، حس کند. ما فصحا و بلغای زیادی در عرب داریم که میانه خوبی با علی ندارند، ولی وقتی از آنها می پرسند توبه این مقام فصاحت از کجا رسیدی؟ می گوید صد خطبه از علی حفظ داشتم، بعد ذهنم جوشید و جوشید آن دیگری می گوید هفتاد و آن یکی می گوید بیست و هفت...

گفته اند یک نویسنده ایرانی که به مروان حمار معروف است در برابر آخرین خلیفه اموی بوده است و نویسنده فوق العاده ای بوده، از او می پرسند که فن نویسندگی را از کجا آموختی؟ در جواب می گوید:

سخنان آنکه جلو سرش مونداشت (یعنی علی (ع) را) حفظ کرده بودم. دشمن هم نمی توانست کلام علی را حفظ نکند اینهایی که می گویند نهج البلاغه ساخته سید رضی است و این حرفهای مفت را دارند می زنند بدانند که مسعودی، صد سال درست قبل از سید رضی بوده و مورخی است که همه قولش دارند معلوم هم نیست شیعه باشد یا سنی، مسلم اگر شیعه باشد اینچور شیعه هایی که ما امروز هستیم نبوده است، یک تمایلی با علی (ع) دارد، لااقل دشمن علی نیست در کتاب مروج الذهب که صد سال قبل از سید رضی نوشته شده است بای می دارد که جمله هایی از کلمات علی (ع) نقل می کند می گوید الان چهارصد و هشتاد و اندی (بین ۲۸۰ و ۲۹۰) خطبه از علی در نزد مردم محفوظ است، در صورتی که آنچه که الان در نهج البلاغه هست ۲۳۹ خطبه است، یعنی کمتر از نیمی از آنچه که مسعودی صورت می دهد سید رضی آورده است، آن فصاحت خارق العاده علی (ع) یعنی آن زیبایی فوق العاده سخش بود که درباره سخنانش گفته اند «دون الکلام الخالق و فوق الکلام المخلوق» از کلام خالق فروتر و از کلام مخلوق فراتر، این زیبایی نگذاشت این کلمات از بین برود و هنوز هم نگذاشته، خودش یک عاملی است، عامل فوق العاده ای هم هست. پس ببینید، شعر، فصاحت، بلاغت، نثر عالی تمام اینها از مقوله زیبایی است ولی اینها زیبایی فکر است نه زیباییهای حسی (یعنی مربوط به چشم، مربوط به بقیه نرسفته ۵۱

اولین گردهمایی‌های منطقه‌ای کمیته‌های فرهنگی برگزار شد

ستادهای جهادسازندگی علاوه بر ۲۴ استان (طبق تقسیمات کشوری) ستادهای دیگری (عشایر ارس - گنبد - گرگان قزوین و قم) نیز دارد که جمعا مرکز با دفتر مرکزی جهادسازندگی در رابطه میباشند و چون رفتن به تمام این مناطق و رسیدگی به مشکلات و موانع کاری آنها کار گسترده و سنگینی است، برای سهولت کار این مراکز به ۴ قسمت (منطقه) تقسیم شده‌اند و این تقسیم‌بندی فقط یک تقسیم‌بندی داخلی برای دفتر مرکزی میباشد و هیچگونه تغییری در وضع مراکز جهاد ندارد، مناطق چهارگانه کمیته فرهنگی بصورت ذیل میباشد:

منطقه ۱- استانهای مازندران و گیلان، تهران، مرکزی، اصفهان و چهارمحال بختیاری و شهرستان قم.

منطقه ۲ - استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، کردستان، همدان، باختران لرستان و ایلام

منطقه ۳ - استانهای خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، بوشهر و هرمزگان و مرکز عشایر فارس.

منطقه ۴ - استانهای سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، خراسان، سمنان و شهرستانهای گنبد و گرگان.

با توجه به گردهمایی کمیته‌های فرهنگی در آذر ماه ۱۳۶۱ و وضعیت اساسنامه جهادسازندگی، تبصره ۳۶ قانون بودجه سال ۶۲ برای تبیین خط مشی دفتر مرکزی در شرایط کنونی و نیز نتایج گردهمایی مذکور، در روزهای ۲۷ و ۲۹ و ۳۱ فروردین ماه جاری در مناطق چهارگانه فوق چهار گردهمایی با یک دستور جلسه معین و مشترک با حضور مسئول کمیته فرهنگی استانهای منطقه، قائم مقامهای آنان و نیز مسئولین گروههای تخصصی کمیته فرهنگی استانهای منطقه و نمایندگان کمیته فرهنگی دفتر مرکزی برگزار گردید. در این گردهمایی‌ها پس از اعلام برنامه و تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید، استان میزبان به حضار خوش آمد گفته مطالبی ایراد نمود (توضیح بیشتر آن خواهد آمد) سپس عضو امور استانهای کمیته فرهنگی راجع به انگیزه تشکیل این گردهمایی و دستور جلسه آن سخنانی

ایراد نمود، آنگاه استانهای منطقه پیرامون وضع استان و مشکلات حوزه فعالیت خود و نیز پیرامون دستور جلسه سخنانی ایراد نمودند. در پایان نماینده کمیته فرهنگی دفتر مرکزی به سئوالات مطرح شده پاسخ گفته و پیرامون مطالب ذیل تذکراتی را مطرح نمودند:

۱- برادران در کلیه ستادهای جهادسازندگی مجدانه بکوشند هرچه سریعتر و با کیفیت‌تر مصوبات گردهمایی آذرماه ۶۱ را به مرحله اجرا در آورند و رهنمودهای سخنرانان را نیز خصوصا سخنرانی آیت... مشکینی و حجت‌الاسلام نوری نماینده محترم امام در جهاد سازندگی را مورد توجه قرار دهند.

۲- از برادران روحانی در کارهای فرهنگی جهاد حداکثر استفاده شود و مناطقی که حوزه علمیه ندارند از طریق دفتر مرکزی اقدام گردد.

۳- استانهاییکه از نظر نیروی فرهنگی غنی‌تر و قویتر می‌باشد به کمک استانهای محرومتر و ضعیفتر بشتابند و سعی شود که همه مناطق ایران رشد فرهنگی هماهنگ بنمایند و در این زمینه تعادل برقرار گردد.

۴- استانها حتما هرماه یکبار با مسئولین فرهنگی شهرستانهای تابعه جلسه هماهنگی و برنامه‌ریزی داشته باشند و سعی شود که مراکز استانها نه تنها از نظر تدارکات، بلکه از نظر راهنمایی و حل مشکلات به شهرستانهای خود برسند ضمنا هر سه ماه یکبار دفتر مرکزی در اینگونه جلسات استانها شرکت می‌نمایند.

همچنین تذکراتی پیرامون منطقه‌ای نمودن استانها در چهارچوب هریک از مناطق چهارگانه فوق‌الذکر در امور استانها، ویژه‌نامه کمیته فرهنگی در مجله جهاد، نیروسازی و جایگزین نمودن نیروها گردهمایی گروههای تخصصی کمیته‌های فرهنگی و... داده شد و ضمنا نحوه توزیع تدارکات و امکانات فرهنگی از سال ۶۲ به بعد از دفتر مرکزی به استانها تشریح گردید.

امید است که این گردهماییها در آینده پر بارتر و در پیشبرد کار فرهنگی جهاد بیش از پیش موثر و مفید واقع گردد.

مباحثی پیرامون...

گوش، لامسه، ذائقه و شامه هم نیست) فقط مربوط به فکر آدم است. حالا که رسیدیم تا این حد که زیبایی، منحصر به زیباییهای مربوط به غریزه جنسی نیست و منحصر به محسوسات این عالم نیست، مربوط به معانی فکری هم هست، یک قدم بروید بالاتر از این بالاتر هم وجود دارد زیباییهای معقول یعنی زیباییکه فقط عقل انسان او را درک می‌کند، و حس انسان و قوه خیال انسان او را درک می‌کند، و در یک اوج و مرتبه بالاتر است و عقل انسان آنچنان زیبایی را درک می‌کند، این رازیاتی عقلی و حسن عقلی می‌گویند، نقطه مقابل، زشتی و نازیبایی عقلی است اینجا است که متکلمین اسلامی البته (شیعی و معتزلی نه اشاعره) و همچنین فقهای اسلامی (شیعه و گروهی از فقهای اهل تسنن که از نظر کلامی معتزلی بودند) معتقدند به حسن عقلی بعضی از کارها و قبح و زشتی عقلی بعضی از کارها، یعنی مدعی هستند اساسا کارهای بشری حد ذاته دو گونه است بعضی کارها فی حد ذاته خود کار زیبا است، با عظمت است، جاذبه و کشش دارد حرکت و عشق و علاقه ایجاد می‌کند ستایش آفرین است، همینایی که عرض کردیم بحث من از شب اول از همین جا شروع شد، که پاره‌ای از کارهای بشر را می‌بینم که با کارهای عادی و طبیعی بشر متفاوت است. کارهای طبیعی و عادی بشر کارهایی است که در حد ستایش نیست، یعنی ستایشها را بر نمی‌انگیزد، آفرینها را بر نمی‌انگیزد تحسینها را بر نمی‌انگیزد ولی پاره‌ای از کارها شکوه و عظمت دارد، جمال و زیبایی دارد، نواضع در مقابل خودش می‌آفریند مشوع و تحسین می‌آفریند، واقعا هم اینطور است کیست که ببیند یک انسانی خود را برای نجات جامعه فدا می‌کند و تحسینش نکند، برای خود مشقت می‌خرد که به دیگران آسایش برساند، قرآن کریم درباره پیامبر اکرم می‌فرماید که «لقد جئناکم رسولاً من انفسکم عزیز علیهم ما عندتم حریم علیکم بالمؤمنین روف رحیمه پیامبری از جنس خود شما برای شما آمده است، یک خصوصیت این پیغمبر این است که بدبختیهای شما این مشتقها، این ناراحتیهایی که شما گرفتارشان هستید و خودتان در اثر جهالت و نادانی درک نمی‌کنید که در نهایت بدبختی هستید و ناراحت نیستید برلوناگوار است او ناراحتی‌اش را تحمل می‌کند، او رنجش را میبرد رنج چی؟ رنج ناراحتی تو را، خوب این تقدیس دارد، عظمت و شکوه دارد بنابراین در مکتب اخلاقی کاری بکنید که بشر بتواند زیباییهای معنوی کارهای اخلاقی را درک بکند. زیبایی فداکاری و استقامت را درک بکند، زیبایی انصاف دادن نسبت به دیگران درباره خود را درک بکند، اگر همانگونه بنحیه در صفحه ۶۲

تاریخچه بهره‌برداری از....

نیز که همین نسبت احتیاج به مراقبت دارد از این مهاجرت لطمه فراوان دیده.

۷- نارسایی ظرفیت و عدم کشش بعضی از کارخانجات قند بخصوص در ناحیه خراسان که منجر به طولانی شدن دوره بهره‌برداری شد و همچنین توقف بیش از حد کامیونهای حامل چغندر پشت در کارخانجات برای فرارسیدن زمان تخلیه که مالا موجب افزایش هزینه حمل و تولید میشود به این مورد اضافه شد.

۳- ضعف مدیریت در برخی از کارخانجات قند و همچنین فرسوده شدن بعضی از آنها مانند ارومیه، اسلام آباد، یاسوج و همدان و نداشتن سیلوی اضافی در کارخانه های مرودشت و آبکوه نیز مزید بر علت شده و باعث طولانی شدن دوره بهره‌برداری برای تولید میزان ثابت و افزایش ضایعات و ایجاد هزینه های اضافی گردیده است.

روز کارگر روز

گیرد، تا بواسطه آن در ظاهر یکدیگر را تهدید کنند تا در نهایت سهم بیشتری از بیت‌المال عمومی را در جیبهای خود واریز نمایند.

خوشبختانه در کشور ما استعمار خارجی، با تکیه بر ایندولوزی انسان پرور و عدالت خیز اسلام پیشاپیش کارگران که عامل اساسی در رسیدن به خود کفایی مملکت می باشند مورد توجه دولتمردان قرار گرفته‌اند و همچنانکه امام بارها و بارها در سخنان خود لزوم رسیدگی اساسی به وضع آنان را تاکید کرده‌اند در این چهارسال سعی دراز بین بردن محیط ظالمانه طاغوت در محیط کارخانجات شده است.

بطوریکه قانون کار سابق دیگر رسمیت خود را از دست داده و عملا بعضی از مواد آن هم اجرایی نمی شود متأسفانه پیش نویس جدید قانون کار نیز راه حل تمام مشکلات کارگران را از قبل اجرای اجباری قانون تامین اجتماعی که ماهانه مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال در مقابل آن از هر کارگر دریافت می‌شود و همچنین گنجائیدن قانونی که در محیط کارخانجات امنیت شغلی را برای کارگران تامین کند و بسیاری مسائل دیگر را توانسته جوابگو باشد. زیرا آنچه که مسلم است نه قانون کار طاغوت و نه قانونی مشابه آن

۴- رقابت پاره‌ای از محصولات کشاورزی کم در دسر و پرسود در بعضی از مناطق مانند پنبه در نیشابور، گیلان غرب، تربت حیدریه و همچنین زراعت کدو و آفتاب گردان اجلی در منطقه خوی و باغات میوه در ارومیه و نقاط دیگر سلماس و گشت هندوانه و خربزه و خیار...

۵- پائین بودن عیار قند در بعضی از مناطق مانند اصفهان، خوی (اگر چه با برقراری سیستم خرید چغندر قند بر مبنای عیار قند موجود همان زارعین این مناطق مثل گذشته به کشت علاقهای نشان نمی‌دهند اما کارخانجات قند مستقر در این مناطق از ورشکستگی حتمی نجات یافته‌اند).

از سویی دیگر پائین بودن قیمت خرید چغندر قند نیز در این روند بی تاثیر نبوده است ولی تنها با افزایش قیمت خرید نمیتوان در توسعه کشت و افزایش تولید توفیق حاصل کرد.

نمی‌تواند روابطی مابین کارگر و کارفرما را حل و مشکلات کار و کارگری را از بین ببرد، ما امیدواریم که کمیسیون کار با در نظر گرفتن مشکلات ملموس و واقعی کارگران مملکتمان بتواند زحمتکشی که شب و روز خود را فدای انقلاب نموده‌اند تا مملکت را به خود کفایی برسانند برآورد و اسلام را سرفراز نماید، یقیناً نقش وزارت کار به عنوان وزارتخانه‌ای که باید از ضعیفترین قشرهای جامعه منجمله کارگران حمایت کند بسیار مهم می باشد و باید طوری حرکت کند که مستضعفان جامعه دولت جمهوری اسلامی را جای واقعی خود بدانند و همچنین با تحریک بیشتری بانکیه بر موازین اسلامی و چهارجوبایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اختیارشان میگذارد به حمایت از برادران کارگرمان برخیزند و راه حلی را برای از بین بردن مشکلات کارگری در پیش نویس جدید قانون کار بگنجانند، به امید آنکه قانون کار جدید که چشم تمام کارگران و مستضعفین ایران به آن دوخته شده است بتواند طومار بقایای فرهنگ استکباری را در هم بیچند و طرحی نو که حاکمیت مستضعفین را حتمی سازد در اندازد که البته این طرح جز بر مبنای اسلام نخواهد بود.

مباحثی پیرامون....

زیبائیهای حسی را درک میکند، این زیباییها را درک کند یک قالی زیبا اگر ببیند، عاشقش و شیفته‌اش می شود به قیمت گرانتر از قیمت بازاریش او را می‌خورد چرا چون زیباییش را درک می‌کند کاری کنیم تا مردم زیباییهای مکارم اخلاقی را درک بکنند و تنها فکرشان در زیباییهایی که مربوط به امور جنسی است محدود نباشد. هزاران زیباییهایی که در طبیعت وجود دارد زیباییهایی که خیال آنها را حس و درک بکند و نقطه مقابلش زشتی و منفریت کارهای بد را، کاری بکنید، اصلا دروغ در نظرش زشت و متعفن باشد، یک شی که اساساً ارزش تفر دارد کاری بکنید که از غیبت کردن اصلا ذائقه‌اش را اصلاح بکنیم، که ذائقه‌اش از غیبت کردن تفر داشته باشد. اصلا باور می‌کنید که اخلاقیون (یعنی آنهاست که من جمله خودشان را تربیت کرده‌اند) واقعا ذائقه‌شان از غیبت کردن تفر دارد و واقعا ذائقه‌شان از دروغ گفتن و خیانت کردن به مردم تفر دارد، واقعا ذائقه‌شان از ظلم و تجاوز به حقوق مردم تفر دارد، اصلا این ذائقه نمی‌پسندد، نمی‌خواهد و دور می‌اندازد ذائقه را درست کنید (ذائقه عقلی، ذائقه فکری، ذائقه معنوی) ذائقه که درست بشود خودش همین جور می‌شود. راهش چیست؟ البته راه دارد هر حسی فکر را خیلی خوب می‌شود با تربیت پرورش داد، ما در عمر خودمان واقعا دیدیم افرادی را که ذائقه آنها اینجور شکفته شده بود. ذائقه آنها از ذکر و یاد خدا لذت می‌برد، که از هیچ چیزی، از هیچ غذای مطبوعی و از هیچ لذت جسمی انقدر لذت و حظ نمی‌برد. ذائقه او جوری است که از خیانت کردن به مردم تفر دارد، اصلا از غیبت تفر دارد، اگر خدا به او بگوید من ترا به خاطر غیبتهایت عذاب نمی‌کنم و بخاطر راستگویی پاداش نمی‌دهم، از این ساعت تکلیف ما از توش تو برداشته شده، خودت مختاری، می‌خواهی غیبت بکن، می‌خواهی نکن، باز هم غیبت نمی‌کند، چون ذائقه‌اش به حدی رسیده که از غیبت کردن تفر دارد، از تهمت زدن تفر دارد، و از هر کاری زشتی تفر دارد، از فحشا تفر دارد، زیبایی عدالت و احسان را درک می‌کند، زشتی فحشا و بغي را (به تعبیر قرآن) درک می‌کند، عجیب تعبیری دارد قرآن می‌فرماید: «ان الله یامر بالعدل والاحسان و انباء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی، ینصم لعلکم تذکرون» پس این کار را باید کرد، این مطلبی بود که متکلمین اسلامی و بعد هم فقهای اسلامی بدینال آنها در باب حسن و قبح عقلی به اصطلاح گفته‌اند.

ادامه دارد

جهاد